

این فدوی در قلعه قیام دارد امیدوار است بموجب سرانجام شود -

اول اینکه بنده را امارت پناه داود خان حسب النوشته سیادت پناه سید بهائی قلعه دار قلعه اسلام آباد عرف چاکنه بجهته کومک قلعه مذکور فرستادند این فدوی مدت هفت ماه است با جمعیت شب و روز کمر بندے نموده به تمام محنت و مشقت در محافظت قلعه مذکور بواقعی پرداخته چند مرتبه در ایام محاصره جمعیت از قلعه بیرون آمده بر مورچه غنیم آفتادیم و مقهوران را شکست دادیم و مبلغے نیز خرچ سه بندے آمدیم محنت و مشقت بنده نموده و مجرے خدمت قلعه دار شد - بمنصب (؟) اضافه و بخطاب سرافراز شده و مجرے خدمت فدوی برباد رفت - کمی منصب که بحال امر شده داخل واقعه گردیده تا حال پذیرائی نرسید و بحضور اقدس چنان ظاهر نه شد که فدوی در قلعه هست یا نه چنین محنت و مشقت نموده ایم - در ایام محاصره حقیقت را دوسه مرتبه عرضداشت کردیم - اما حقیقت بنده داخل واقعه نشده - غریب پرور سلامت اگر بحضور همین ظاهر است که قلعه را سید بهائی قلعه دار نگاه داشته پس احتیاج بودن بفدوی چیست و الحال چندین فتور هم درین قلعه نیست - امیدوار است دستک رحمت شود که در قلعه بیرون آمده داخل فوج شود یا در رکاب سعادت مشرف گردد که بجای دیگر ازین مشکل تر خدمت بظهور رسانیده سرافراز خواهم شد -

ایضاً

غریب پرور سلامت حقیقت جاگیر فدوی بخدمت (؟) روشن است تمام جاگیر را مقهور تاخت نموده تاراج ساخت - یکدام به سپاه نرسیده - درین قلعه مردم سپاه بسیار تنگ می نمایند - امیدوار است که چیزے مساعدت رحمت شود -

امر شد بدهید

غریب پرور سلامت طلب فدوی هفته هزار روپیه است که طلب دارم چون در جاگیر فدوی یک جای چنین نیست که در آنجا اهل و عیال نگاه داشته

شود - بنابراین امیدوار است که در عیوض طلب مسطور یک- جای متصل از پرگنه انبڑ روشن گاون مرحمت شود که از طرف وابستگان خاطر جمعیت باشد -

معاف امر شد

غریب پرور سلامت در ایام محاصره از تحویل سید بهائی قلعه دار ذخیره (؟) و پانزده من کسرے زیادہ جنس غلہ بموجب فرد علیحدہ گرفته متصرف شدیم - قلعه دار سند معافی میخواستند (؟) که سند معافی مرحمت شود -

واجب بود بعرض رسانید

سیاہ ___ حضور

ماه رمضان سنہ ۱۴

یوم الاثنین

غره منہ